مطالعات تاریخ اسلام
سال دوازدهم/ شمارهٔ ۴۷/ زمستان ۱۳۹۹

بررسی حیات علمی کراجکی با تأکید بر نقد دیدگاه‌های موجود دربارهٔ شاگردی وی نزد زعمای مکتب بغداد

محمد محدثی[۱]
لیلا نجفیان رضوی[۲]
مریم عزیزیان[۳]

چکیده: آگاهی از شبکهٔ ارتباطی عالمان امامی و نحوهٔ ارتباطات آنها با مرکز پررونق هر دوره که در گسترش و تثبیت تشیع امامی در اقصی نقاط جهان اسلام مؤثر بوده‌اند، امری تأثیرگذار در شناخت ما از اندیشمندان کمتر شناخته شدهٔ مناطق مختلف است. امری که توجه به آن از جنبه‌های مختلفی چون روابط استاد- شاگردی (عالم‌پروری)، اثربخشی تفکرات و نیز نوع و محتوای آثار تولید شده حائز اهمیت است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر با تمرکز بر ابوالفتح محمدبن علی‌بن عثمان کراجکی (متوفای ۴۴۹ق) به عنوان یکی از علمای شام، رابطهٔ استاد- شاگردی او با زعمای مکتب بغداد مورد توجه قرار گرفته و تأثیر این امر بر عملکرد علمی کراجکی در شام بررسی شده است. نتیجهٔ این پژوهش توصیفی- تحلیلی حاکی از آن است که محمدبن حسن طوسی استاد کراجکی نبوده، همان‌طور که میان کراجکی و سید مرتضی با وجود قرابت فکری، رابطهٔ استاد- شاگردی وجود نداشته است. بدین ترتیب، از میان زعمای مکتب بغداد، شیخ مفید تنها استاد کراجکی بوده است. ارتباطی که بر آراء فقهی، کلامی و اندیشهٔ سیاسی او تأثیر گذاشته است. همچنین انتخاب موضوعات آثار تألیفی او را تحت‌الشعاع قرار داده، در گزینش و نحوهٔ نقل روایات تاریخی در آثار این اندیشمند مؤثر بوده و در گسترش مکتب متکلمان در شام نقش بسزایی داشته است.

واژه‌های کلیدی: کراجکی، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، شام، مکتب متکلمان، مکتب طوسی.

۱ کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه فردوسی مشهد mohadesi.m1363@gmail.com
۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسئول) najafian@um.ac.ir
۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد maryamazizian@um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۲ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۸/۳۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

A Study of Karajaki's scholastic Life with an Emphasis on the Critique of Views on his Discipleship for Baghdad School Leaders

Mohammad Mohadesi[1]
Leila Najafian Razavi[2]
Maryam Azizian[3]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

Abstract: Being aware of the communication network of Imami scholars and the way they communicate with the thriving center of each period is influential in recognizing lesser-known scholars in different regions who have been effective in expanding and consolidating Imami Shiism in all parts of the Islamic world. It is important to pay attention to it in various aspects such as teacher-student relations, the effectiveness of thoughts, as well as the type and content of the produced works. Therefore, in the present study, focusing on Karajaki (d. 449 AH) as one of the Levant scholars, his master-student relationship with heads of the Baghdad school has been considered and then the impact of this issue on Karajaki's scholastic activities in Levant has been studied. The result of this descriptive-analytical study indicates that Tusi was not a master of Karajaki, just as there was no master-student relationship between Karajaki and Seyyed Morteza, despite their intellectual affinity. Thus, among the leaders of the Baghdad school, Sheikh Mufid was the only master of Karajaki, a connection that has influenced his jurisprudential, theological and political views. The choice of subjects overshadowed his writings, influenced the selection and narration of historical narratives in the works of this thinker, and played a significant role in the development of the school of theologians in the Levant.

Keywords: Karajaki, Sheikh Mufid, Seyyed Morteza, Tusi, Levant.

1 Master of Shi'ite History, Ferdowsi University of Mashhad. mohadesi.m1363@gmail.com
2 Assistant Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author), najafian@um.ac.ir
3 Assistant Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad. maryamazizian@um.ac.ir

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

مقدمه

مکتب بغداد با آغاز زعامت شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق) به‌تدریج شاکلهٔ اصلی خود را به دست آورد. این امر در کنار ظهور حکومت‌های شیعی، سیطرهٔ امرای بویه‌ای بر عراق و افزایش فعالیت‌ها و امکانات شیعیان در بغداد، سفر و تحصیل بسیاری از مشتاقان و عالمان امامی به این شهر را تسهیل کرد. علمایی که هر یک پس از تحصیل، با ماندن در این دیار یا بازگشت به سرزمین و زادگاه خود، منشأ خدماتی ارزشمند در میان شیعیان شدند. تمرکز پژوهش‌ها بر این مکتب و زعمای آن، به‌خصوص در قرن پنجم قمری، نحوهٔ ارتباط آنها با علمای دیگر مناطق، خاصه شام را که منظور نظر پژوهش حاضر است، در حاشیه قرار داده است. امری که توجه به آن از جنبه‌های مختلفی چون روابط استاد- شاگردی (عالم‌پروری)، اثربخشی تفکرات و نیز نوع و محتوای آثار تولید شده حائز اهمیت است. از این رو، در پژوهش حاضر با تمرکز بر کراجکی به عنوان یکی از علمای تأثیرگذار بر برخی از مناطق شام در این دوره، رابطهٔ استاد- شاگردی او با زعمای مکتب بغداد مورد توجه قرار گرفته و سپس تأثیر این امر بر حیات علمی کراجکی در شام بررسی شده است؛ مسئله‌ای که دربارهٔ بخش ابتدایی آن اختلاف نظرهای فراوانی در پژوهش‌های اندک حاضر وجود دارد و با اِشراف بر آن می‌توان بخش دوم این پژوهش، یعنی تأثیر این ارتباط بر عملکرد و حیات علمی کراجکی را که از دید پژوهشگران به دور مانده است، بهتر درک کرد. ضمن آنکه لازمهٔ فهم این امر، رفع اختلاف نظرهای موجود دربارهٔ دیگر موضوعات مرتبط با حیات کراجکی همچون زادگاه اوست؛ که در مجموع شناخت ما نسبت به عالمی تأثیرگذار و کمتر شناخته شده از علمای امامیه در قرن پنجم قمری را وسعت می‌بخشد. محققی که با سفرهای متعدد و نگارش آثار فقهی، کلامی، تاریخی و دیگر آثار متنوع و متناسب با نیاز روز، توانست در تثبیت و گسترش باورهای تشیع امامی در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر تسنن و تشیع اسماعیلی بود، مؤثر باشد. کراجکی محل رجوع افراد و گروه‌های مختلف در برخی از سرزمین‌های ساحلی شام شده بود و با تولید آثار علمی متنوع و بدیع، حتی سبک‌هایی نو در نگارش متون علمی برای ترغیب مخاطبان به مطالعه، از خود بر جای گذارد.[۱]

۱ برای نمونه ن.ک. به: کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۸۷/۱، ۱۲۸، ۳۲۷، ۳۸۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

آثاری که به‌طور مستقیم به ابعاد مختلف زندگی کراجکی پرداخته‌اند، بسیار محدود است و از حد بررسی آراء کلامی (زارع‌پور، ۱۳۹۲) و یا معرفی او[۱] (مهاجر، [بی‌تا]؛ طباطبائی، ۱۴۰۳) فراتر نمی‌رود. پژوهش‌ها در حوزه تأثیرگذاری عالمان امامی در شام نیز اندک و با دغدغهٔ پژوهش حاضر متفاوت است (برای نمونه ن.ک. به: مرادی‌نسب و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷؛ پاکتچی، ۱۳۹۱). در ادامه و پیش از ورود به بخش اول کار، پیشینه و تفاوت آراء مؤلفان متقدم و پژوهشگران معاصر دربارهٔ اساتید کراجکی آورده شده است.

پیشینهٔ بحث

قدیمی‌ترین منبعی که در آن از اساتید کراجکی یاد شده، *فهرست* منتجب‌الدین (متوفای ۶۰۰ق) است. این مؤلف شیعی کراجکی را در زمرهٔ شاگردان سید مرتضی و طوسی معرفی کرده است (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۷۵)، اما ذهبی (متوفای ۷۴۸ق) که قدیمی‌ترین مؤلف از میان اهل سنت است، در یادکرد از کراجکی در کتاب *العبر*،[۲] او را شاگرد سید مرتضی خوانده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۵/۲). سه قرن بعد، ابن‌عماد حنبلی (متوفای ۱۰۸۹ق) دقیقاً عبارات ذهبی را دربارهٔ کراجکی تکرار کرده است. بدین ترتیب، از نظر او نیز کراجکی فقط شاگرد سید مرتضی بوده است (ابن‌عماد حنبلی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۴/۵). در میان متأخران اهل سنت نیز زرکلی (متوفای ۱۹۷۶م) ذیل نام کراجکی، عبارت «از بزرگان اصحاب سید مرتضی» را آورده است (زرکلی، ۱۹۸۰م: ۲۷۶/۶).

البته از میان شیعیان، اولین بار پس از منتجب‌الدین، مجلسی (متوفای ۱۱۱۰) به اساتید کراجکی اشاره کرده و مانند سلف خود، کراجکی را شاگرد سید مرتضی و طوسی خوانده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵/۱؛ ۲۶۳/۱۰۲–۲۶۴). در کتاب *فوائد الرجالیه* نیز بدین امر پرداخته شده است. بحرالعلوم (متوفای ۱۲۱۲ق) در ابتدا کراجکی را شاگرد مفید و سید مرتضی دانسته، ولی در ادامه با ارجاع به نظر منتجب‌الدین، طوسی را نیز استاد او قلمداد

---

۱ مقدمهٔ مصححان بر آثار کراجکی نیز در این مجموعه قرار گرفته است.

۲ ذهبی در شرح حال کراجکی به‌طور مستقیم به منبع اطلاعات خود دربارهٔ او اشاره‌ای نکرده است. با این حال، این احتمال وجود دارد که وی از کتاب *طبقات الامامیه (الحاوی)* ابن‌أبی‌طی حلبی (متوفای ۶۳۰ق) که اصل آن مفقود شده، استفاده کرده است (ن.ک. به: ابن‌أبی‌طی، [بی‌تا]: ۸۶-۸۷). جعفریان در مقدمه کتاب فقط اشاره‌ای کلی به استفادهٔ ذهبی از این اثر کرده است (مقدمه جعفریان بر الحاوی، [بی‌تا]: ۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

کرده است (۱۳۶۳ش: ۳۰۲/۳–۳۰۳). صاحب *روضات الجنات* (متوفای ۱۳۱۳ق) ابتدا در معرفی اساتید کراجکی، عبارت «قرأ علی السید المرتضی علم الهدی و الشیخ الموفق أبی‌الجعفر» (خوانساری، ۱۳۹۰: ۲۰۹/۶) را به کار برده، اما در بخشی دیگر از همین کتاب آورده است: «از کتاب *بحار* و غیره و نیز کنز پیداست که کراجکی در بسیاری از مسائل مشکل به سید مرتضی رجوع می‌کرده و به وسعت فضل و دانش او معتقد بوده است ولی من نه در آن کتاب و نه در کتاب دیگرش ندیده‌ام که از سید مرتضی روایت کرده باشد. از شیخ طوسی هم ذکری به میان نیاورده تا چه رسد که از او روایت کند[...]» (همان، ۲۱۱). بدین ترتیب، خوانساری تنها به رد نظر شاگردی کراجکی نزد سید مرتضی و طوسی بسنده کرده؛ درحالی‌که سید حسن صدر (متوفای ۱۳۵۳) کراجکی را شاگرد سید مرتضی خوانده است (صدر، ۱۳۷۵ش: ۳۷۶).

گفتنی است پس از آنها محسن امین (متوفای ۱۳۷۱) (۱۴۲۱ق: ۴۰۰/۹) و آقا بزرگ طهرانی (متوفای ۱۳۸۹ق) (۱۴۳۰ق: ۱۷۷/۲) کراجکی را از شاگردان هر سه زعیم بغداد خوانده‌اند. حال آنکه دیگر معاصر آنها محمدصادق آل بحرالعلوم (متوفای ۱۳۹۹ق) در تحقیق *الفهرست* طوسی، تنها از شاگردی کراجکی نزد طوسی سخن به میان آورده است (مقدمه بر *الفهرست*، ۱۴۱۷ق: ۱۴/۱).

به این آراء متنوع می‌توان نظرات مصححان و مترجمان آثار کراجکی را نیز افزود. نعمه (۱۴۰۵ب: ۱۶–۱۸)، حسینی (۱۳۸۸: ۷، ۹) و حسون ([بی‌تا،ب]: ۱۱–۱۲) کراجکی را شاگرد مفید، سید مرتضی و طوسی خوانده‌اند. جالب اینجاست که نعمه و حسینی با وجود تأکید بر عدم روایت کراجکی از طوسی، نام او را در فهرست اساتید کراجکی باقی گذاشته‌اند. مقدس مترجم کتاب *التفضیل* کراجکی، در مقدمهٔ این اثر ضمن تأیید استادی مفید و سید مرتضی، تردید خود دربارهٔ شاگردی کراجکی نزد طوسی را بیان کرده است[1] (۱۳۸۳: ۱۶–۱۷)، اما کعبی در مقدمه تحقیق خود بر دیگر اثر کراجکی یعنی *قول المبین* (۱۴۱۰: ۹) و کمره‌ای تنها به ذکر مفید و سید مرتضی بسنده کرده‌اند (مقدمه کمره‌ای بر *کنز الفوائد*، [بی‌تا، الف]: ۴۴/۱). حتی در دو تحقیق مستقلی که دربارهٔ کراجکی انجام شده است، این تفاوت نظر وجود دارد. مهاجر، کراجکی را از شاگردان مفید خوانده؛ در

۱ موضع دوانی در *مفاخر الاسلام* مشابه مقدس است (دوانی، [بی‌تا]: ۳۴۰/۳).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

شاگردی او نزد سید مرتضی تردید کرده و نظر آقا بزرگ دربارهٔ شاگردی او نزد طوسی را رد کرده است (مهاجر، [بی‌تا]: ۶۴-۶۸). درحالی‌که طباطبائی او را در زمرهٔ شاگردان هر سه زعیم بغداد قرار داده است (۱۴۰۳: ۳۷۲-۳۷۳).

در جدول زیر این دیدگاه‌ها به صورت خلاصه آورده شده است. تشتت آراء پژوهشگران، گواه ضرورت بررسی این مسئله است.

نکتهٔ قابل توجه دربارهٔ بسیاری از این افراد آن است که تأثیر آشکار و یا پنهان نظر نخستین مؤلف شیعی یعنی منتجب‌الدین، در رأی آنان مشهود است. امری که با مروری بر آراء نعمه، بحرالعلوم، مهاجر، مقدس، دوانی، کمره‌ای، حسینی نیشابوری و طباطبائی مشخص می‌شود.

در ادامه، پس از مرور حیات علمی کراجکی، سفرها، آثار، سبک نگارش و مکتوبات او بررسی شده است. سپس با گذری کوتاه بر ابعاد مرتبط با حیات علمی شیخ طوسی، کوشش شده است به بخش اول مسئلهٔ پژوهش حاضر پاسخ داده شود. با روشن شدن این امر، بخش دوم مسئله واکاوی خواهد شد. گفتنی است اطالهٔ کلام دربارهٔ زادگاه کراجکی ناشی از اختلاف نظرهای موجود در این زمینه و تأثیرگذاری این امر در نتیجهٔ نهایی تحقیق است.

معرفی ابوالفتح کراجکی

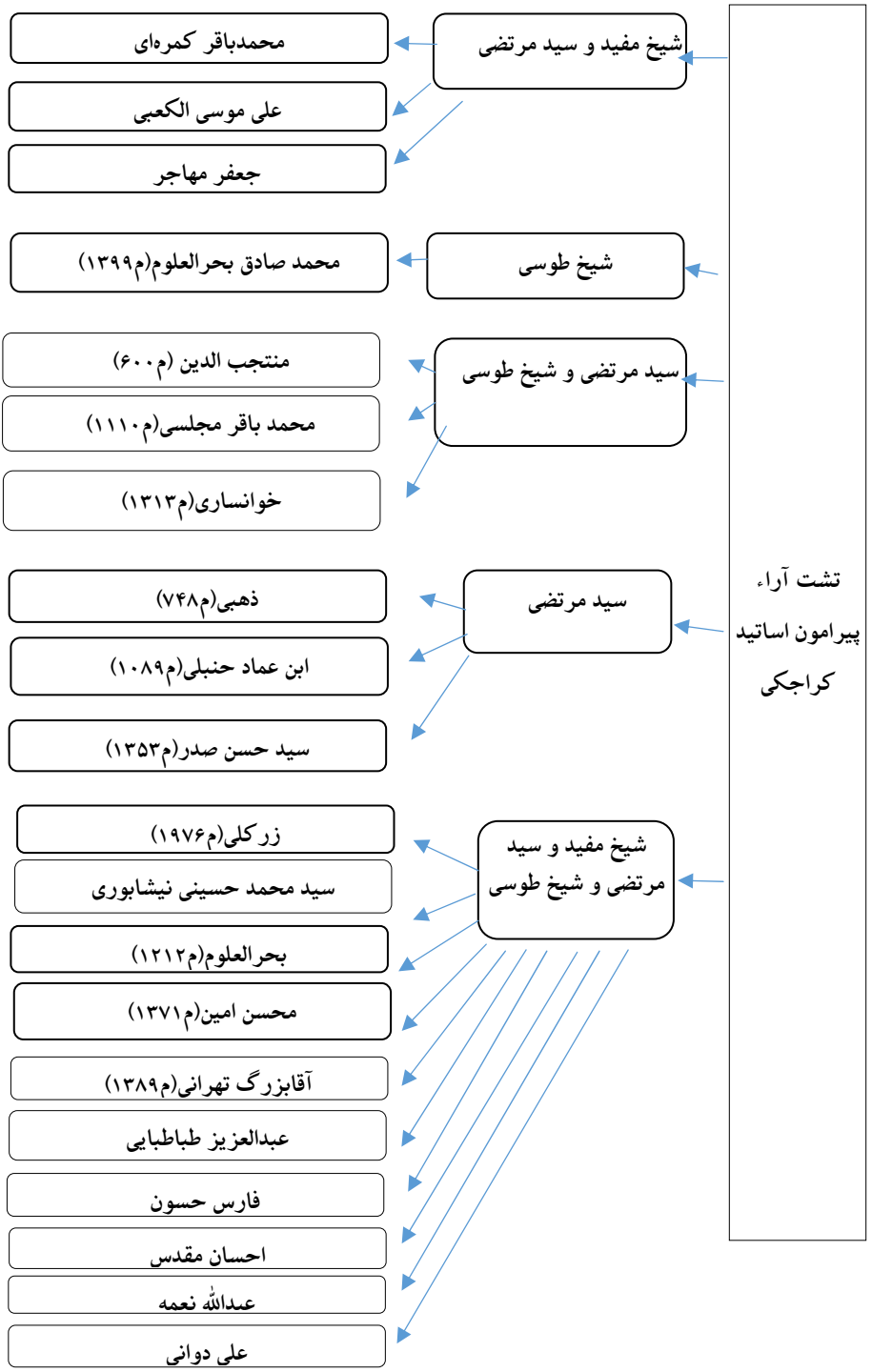
ابن‌شهرآشوب نام او را «ابوالفتح محمدبن علی‌بن عثمان الکراجکی» آورده است (۱۳۸۰ق: ۱۱۸-۱۱۹). در نام و کنیهٔ او اختلافی نیست، اما برخی به دنبال کراجکی، «الخیمی»، «الکرخی» و یا «طرابلسی» را نیز افزوده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۴/۲؛ یافعی، ۱۴۱۷ق: ۵۴/۳؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ۳۰۰/۵).

تاریخ تولد کراجکی نامشخص است. نعمه با توجه به کتاب *کنز الفوائد* -که مشهورترین اثر کراجکی است- و استناد به اولین حدیثی که در سال ۳۹۹ق. در شهر میافارقین روایت کرده، تولد او را سال ۳۷۴ق. دانسته است (مقدمه نعمه بر کنز، ۱۴۰۵ب: ۱۳/۱)؛ سالی که به نظر می‌رسد در تخمین آن احتیاط زیادی شده است.[۱]

۱ نعمه سن معمول کسب اجازه برای نقل حدیث را ۲۵ سالگی در نظر گرفته است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]



[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

دربارهٔ نسب کراجکی نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ به‌طوری که برخی انتساب او به کراجکی را برگرفته از شغل خیمه‌دوزی (کَراجک) دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۴/۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ۳۰۰/۵). امری که در آثار متأخرانی چون محسن امین (۱۴۰۳ق: ۴۰۰/۹) و کحاله نیز تکرار شده است ([بی‌تا]: ۲۷/۱۱). البته برخی همانند شیخ عباس قمی (۱۴۲۹: ۱۰۹/۳)، ممقانی ([بی‌تا]: ۲۳۲/۲) و آقا بزرگ طهرانی (۱۴۳۰ق: ۱۷۹/۲) با استناد به گفتهٔ سمعانی (۱۳۸۲: ۵۸/۱۱) معتقد بودند نام او از روستایی گمنام در نزدیکی شهر واسط به نام «کراجُک» گرفته شده است و دربارهٔ پسوند «الخیمی» سکوت کرده‌اند. درحالی‌که گروه سوم نیز بدون اظهار نظر دربارهٔ «کراجک»، «الخیمی» را یک پسوند مکانی دانسته‌اند؛ به‌طوری که طریحی، کراجکی را اهل روستای «الخیم» در مصر خوانده (۱۳۶۲ش: ۳۹۹/۲) و سید حسن صدر نیز آن را تکرار کرده است (۱۳۷۵ش: ۳۸۷). در نهایت، مجلسی (۱۴۰۳: ۷۶/۱۰۵) و سبحانی (۱۴۱۸ق: ۳۱/۵) نیز او را از فقها و علمای برجستهٔ طرابلس خوانده‌اند.

با توجه به آنچه که پیشتر آورده شد، یعنی اطلاعات کتب جغرافیای تاریخی متقدم در ارتباط با نسب کراجکی، در نظر داشتن اینکه قدیمی‌ترین روایت حدیث توسط کراجکی در سال ۳۹۹ق. در میافارقین از استادش علی‌بن احمد لغوی بوده و در نهایت اینکه او می‌بایست زمانی را صرف شاگردی نزد استاد برای کسب اجازهٔ نقل حدیث کرده باشد، شاید بتوان از تولد او در میافارقین نیز سخن گفت؛ زیرا با وجود سقوط حکومت حمدانیان موصل در سال ۳۸۶ق، در منطقهٔ تحت سیطرهٔ آنان عالمان شیعهٔ فراوانی ظهور کردند؛ عالمانی که جز موصل در شهرهای دیگری چون میافارقین نیز حضور داشتند. مکاتبات آنها با سید مرتضی (متوفای ۴۳۶) سند این مدعا و ادامهٔ این حضور است.[۱] این امر و حضور حداکثری کراجکی در مناطق ساحلی شام و جزیره، احتمال برخاستن او از این دیار را تقویت می‌کند؛ زیرا معمولاً شاگردان زعمای مکتب بغداد، پس از تلمذ در محضر آنان، با میل خود و یا به دستور این افراد به زادگاهشان می‌رفتند. جایی‌که با توجه به

۱ برای نمونه، می‌توان به پاسخ سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ق) به پرسش‌های عالمان میافارقین در قالب رساله‌ای با عنوان *جوابات المسائل المیافارقیات* (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق: ۲۷۱/۱) و مکاتبات او با عالمان حوزهٔ موصل (همان، ۱۶۷/۱، ۱۹۹) اشاره کرد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

شناخت خود از محیط و بالعکس، شاید می‌توانستند بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشند. بازگشت ابن‌براج (متوفای ۴۸۱) به شام و مصر (افندی، ۱۴۰۱: ۱۴۳/۳) و ابوصلاح حلبی (متوفای ۴۴۷) به حلب (پاکتچی، ۱۳۷۲: ۶۰۸/۵) نمونه‌هایی از این امر است. آنچه آورده شد، غیر از آن است که کراجکیِ اهل سفر و مقید به ثبت آنها، به هیچ سفری قبل از نقل حدیثش در میافارقین اشاره نکرده و تمام سفرهای او پس از این تاریخ است. ضمن آنکه در نهایت شاید بتوان پسوند «الخیمی» و «کراجکی» را نیز به عنوان حرفهٔ این عالم امامی و یا اجداد او در میافارقین پذیرفت؛ زیرا کاربرد واژه «الخیم» در معنای خیمه(ها) معمول بوده است (ن.ک. به: ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۶۷۵/۱، ۲۳۷/۵، ۳۱۵/۶). علاوه بر آن، از وجود روستای کراجُک در اطراف واسط، در متون جغرافیای تاریخی نگاشته شده توسط معاصران کراجکی و یا نزدیک به او همچون *احسن التقاسیم* سخنی به میان نیامده است. درحالی‌که مقدسی (متوفای ۳۸۵) از وجود کتان در منطقهٔ دیاربکر -که میافارقین یکی از شهرهای اصلی آن است- سخن گفته است. ماده‌ای که از مواد اولیهٔ ساخت خیمه بوده و به علت وفور صادر می‌شده است (مقدسی، ۱۳۸۷: ۲۱۹/۱). ویژگی‌ای که برای شهر واسط و یا اطراف آن ذکر نشده است. بنابراین بیان این احتمال که در اواخر قرن چهارم برخی از مردم شهرهای مهم این منطقه همچون میافارقین حرفهٔ خیمه‌دوزی داشته‌اند، دور از انتظار نیست؛ امری که احتمال حضور کراجکی و اجدادش در شهر میافارقین، اشتغال آنها به این حرفه و اشتهارشان به «کراجکی» و «الخیمی» را تقویت می‌کند.

کراجکی از محضر اساتید شیعه و سنی برجسته‌ای کسب علم کرده است. برخی محققان بیش از بیست استاد برای او برشمرده‌اند (مقدمه نعمه بر *کنز الفوائد*، ۱۴۰۵ب: ۱۷-۱۸؛ مقدمه حسون بر *التعجب*، [بی‌تا، ب]: ۱۱-۱۲). همان‌طور که به نام شاگردان او نیز اشاره کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵/۱؛ مقدمه نعمه بر *کنز الفوائد*، ۱۴۰۵ب: ۱۸).

محدث نوری و آقا بزرگ فهرست مفصلی از آثار کراجکی را به نقل از یکی از معاصران او آورده‌اند. نعمه نیز در مقدمه کتاب *کنز الفوائد* به ۸۸ مورد از تألیفات او در حوزه‌های مختلف اشاره کرده است. مروری بر این آثار تبحر کراجکی را در فقه، کلام، نجوم، ریاضی، اخلاق، انساب، تاریخ و غیره روشن می‌سازد (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱/ ۱۲۶-۱۳۲؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق: ۳۷۹/۱۶؛ نعمه، ۱۴۰۵ب: ۱۹/۱-۲۵). امری که

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

به فراخور موضوع بحث در ادامه به آن پرداخته شده است. وفات کراجکی در بسیاری از منابع دوم ربیع‌الثانی ۴۴۹ در شهر صور ثبت شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۴/۲).

آثار و سفرهای کراجکی

مقاصد سفرهای کراجکی، افرادی که از آنها حدیث شنیده یا اماکنی که در آنها حضور داشته، افرادی که برای آنها یا علیه آنها کتاب نوشته و سایر آثار او -که اشاره به آنها در رسیدن به پاسخ این پژوهش مؤثر است- در ادامه آورده شده است.

کراجکی را از لحاظ کثرت سفرهایش می‌توان همانند شیخ صدوق دانست. آغاز دوران زندگی او با حکومت مروانیان (۳۸۰-۴۸۹ق) معاصر بود. حکومتی که هر یک از دو خلافت بزرگ عباسی و فاطمی برای سیطره بر آن در تلاش بودند (ابن‌ازرق، ۱۳۸۶: ۷۶). امرای آن اندکی پیشتر قلمرو حمدانیان موصل (۳۱۷-۳۸۶ق) را به ارث برده بودند؛ سرزمین‌هایی که به مناطق تحت سیطرهٔ فاطمیان نیز بسیار نزدیک بود. این امر سبب رشد کراجکی در میان مردمانی شد که ترکیب مذهبی متنوعی از تشیع امامی تا اسماعیلی و نیز تسنن داشتند؛ آنچه که بعدها حضور مؤثر او در شهرهای تحت سیطرهٔ فاطمیان، نگارش کتاب دربارهٔ آراء آنها[1] و توجه به آثار اندیشمندان اسماعیلی را سبب شد.[2] شاید با نزدیک شدن مرگ ممهدالدوله مروانی (۳۸۷-۴۰۱ق)، پایان توجه امرای مروانی به عالمان و مجالس علمی و اوج‌گیری کشمکش‌های رقبای سیاسی بود (ابن‌ازرق، ۱۳۸۶: ۷۱) که کراجکی در جست‌وجوی محیطی آرام، عالم‌پرور و امن برای شیعیان به بغداد رفت.

نقل نشدن روایتی توسط او تا سال ۴۰۷ق. در قاهره، دلیلی بر حضور کراجکی در این سال‌ها در بغداد و حلقه‌های درس شیخ مفید عنوان شده است؛ زیرا او بعدها در رسائل مختلف *کنز* و دیگر آثارش روایات فراوانی آورده که از حضور او در محضر شیخ مفید حکایت دارد. با توجه به اینکه مفید از بغداد خارج نشده بود، کراجکی در باقیماندهٔ ایام حیات مفید در شهرهای مختلف شام اقامت داشته و سندی از حضور مجدد او در بغداد

---

۱ در کتاب *الایضاح عن احکام النکاح* کراجکی، به مسائل مورد اختلاف تشیع امامی و اسماعیلی پرداخته شده است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۳۴/۲۱).

۲ کراجکی دو اثر از قاضی نعمان (۲۸۳-۳۶۳) را خلاصه کرد. کتاب *الاختیار من الاخبار*، مختصر کتاب *الاخبار* و کتاب *مختصر دعائم الاسلام* (همان، ۱۲۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

نیز در دست نیست، به نظر می‌رسد اشارهٔ برخی پژوهشگران (دوانی، [بی‌تا]: ۳۳۹/۳-۳۴۰؛ مقدس، ۱۳۸۳: ۲۱) به اقامت او در بغداد طی سال‌های ۴۰۰-۴۰۷ق. صحیح باشد.

این دوران مصادف با خلافت قادر عباسی (۳۸۱-۴۲۲ق) بود؛ زمانی که اختلافات فاطمیان و عباسیان شدت گرفته بود و قادر بیانیهٔ مشهور خود علیه نسب فاطمیان را صادر کرد. با این حال، این امر و اختلافات سیاسی دو مدعی خلافتِ آن روز، مانع از حضور کراجکی در سرزمین‌های تحت سیطرهٔ فاطمیان نشد. این حضور فارغ از تعلق او به این خطه، از رشد حوزه‌های شام متأثر بود. امری که در روی کار آمدن فاطمیان شیعی، به عرصه آمدن مکتب شیخ مفید و شاگردانش (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۴۷) و لزوم انسجام‌بخشی و تثبیت اندیشه‌های شیعیان امامی آن دیار، با وجود تبلیغات گستردهٔ فاطمیان و سایر مخالفان تشیع ریشه داشت.[1] روایت حدیثی از ابوالحسن طاهربن موسی حسینی در سال ۴۰۷ق. در قاهره، از حضور او در مصر - پیش از اتمام خلافت الحاکم بامرالله (۳۸۶-۴۱۱ق)- حکایت دارد که احتمالاً در اواخر این سال بوده است (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۸۲/۱). بنا به شواهد موجود، او طی سال‌های ۴۰۷ تا اوایل ۴۱۲ق. در شهرهای مختلف قلمرو فاطمیان در مصر و شام حضور داشته است. حضور کوتاه او در حلب (کراجکی، ۱۳۸۳: ۴۴؛ همو، [بی‌تا، الف]: ۶۹/۲) و نقل روایاتی از اساتید مختلف در سال‌های ۴۱۰، ۴۱۱ و ۴۱۲ق. در رمله (همو، [بی‌تا، الف]: ۱۵۷/۲)؛ همو، ۱۳۷۰ق، الف: ۷، ۲۱، ۲۷) مؤید این امر است. روایت او از ابن‌شاذان قمی در سال ۴۱۲ در مکه نیز گویای آن است که کراجکی در سال ۴۱۲ق. شام را به مقصد مکه ترک کرده است (همان، ۱۶). او در سال ۴۱۶ نیز در صور بوده؛ جایی که کتاب *الاصول فی مذهب آل الرسول* را نوشته است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۳۳/۲۱). حضور کراجکی در سال ۴۱۸ در بلبیس[2] نیز مستند است (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۵۱/۱). همچنین نقل روایتی از ابوالحسن صخر ازدی در سال ۴۲۶ق. در مصر (همان، ۱۴۹) و روایتش از علی‌بن حسن‌بن منده در سال ۴۳۶ در طرابلس (همو، ۱۳۷۰الف: ۸)، از حضور مستمر او

---

۱ فهرست آثار کراجکی و ردیّه‌هایی که بر اشعریان (*جواب رسالة الاخوین*: در مبحث امامت و رد بر اقوال اشعریان و ایراد آنها بر شیعه)، مسیحیان (*الرسالة الدامغه للنصاری*: رساله‌ای در رد مسیحیت و رد نظریات ابوهیثم نصرانی) و غیره نوشته، گواه این امر است (ن.ک. به: محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۲۹/۲۱-۱۳۰).

۲ یک آبادی در شمال شرقی قاهره (مونس، ۱۳۹۰: ۳۸۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

در مصر و شام حکایت دارد. ضمن آنکه نگارش کتاب *الایضاح عن احکام النکاح* توسط این عالم برجستهٔ امامی در سال ۴۴۱ق. در صیدا (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۳۴/۲۱) و مرگ او در ۴۴۹ در صور مؤید این حضور است.

اگر آنچه را که گفته شد، در کنار گزارش‌هایی قرار دهیم که از نگارش برخی از آثار کراجکی در شهرهای مختلف خبر می‌دهند، کثرت سفرهای این عالم امامی، فراوانی و تنوع آثار او و همچنین مرجعیت علمی‌اش در این دیار آشکار می‌شود؛ زیرا بسیاری از آثار کراجکی به درخواست امرا، قضات و یا شیعیان امامی به رشتهٔ تحریر درآمده بودند؛ به‌طوری که اگر فقط کتاب محدث نوری- قدیمی‌ترین اثری که به‌طور مفصل آثار کراجکی را آورده است- مرجع قرار گیرد، نگارش برخی از آثار او در شهرهای دمشق، طرابلس (شش کتاب)، طبریه، قاهره (دو کتاب)، رمله، صیداء و صور مشخص می‌شود. چنان‌که می‌توان دریافت او هفت کتاب خود را به درخواست امرای شهرهای مختلف شام، سه کتاب خود را برای قضات این مناطق، شش کتاب خود را بنا به تقاضای بزرگان معاصرش و شش کتاب و رساله را بنا به پرسش فرد و یا گروهی در شام و مصر نوشته - است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۲۷/۲۱-۱۳۴؛ همچنین ن.ک. به: مقدمه نعمه برکنز *الفوائد*، ۱۴۰۵: ۱۹/۱-۲۵؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق: ۵/۱۶، ۳۷۹-۳۸۰). نکتهٔ قابل توجه آن است که موضوع بسیاری از این آثار فقهی بوده است؛ امری که صاحب رأی بودن او در امور فقهی و مورد وثوق و رجوع بودن او نزد بسیاری از امرا و قضات زمانه- اش را مشخص می‌سازد. علاوه بر این، عامهٔ مردم نیز برای دستیابی به پاسخ مسائل شرعی خود به او مراجعه می‌کرده‌اند. چندین رسالهٔ او در پاسخ به شبهات فقهی آنها است (محدث نوری، همان، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴).

نکتهٔ قابل تأمل دیگر آن است که با وجود حضور کراجکی در شام و مصر، برخی آثارش حاکی از نزدیکی فکری او در امور فقهی با سید مرتضی است؛ به‌طوری که کتاب *غایة الانصاف فی مسائل الخلاف* وی به مسائل مورد اختلاف ابوصلاح حلبی و سید مرتضی اختصاص دارد. کراجکی در این اثر از آراء سید مرتضی دفاع کرده و سخنان حلبی را رد کرده است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱/ ۱۲۹)؛ همان‌طور که در دیگر اثرش یعنی *ردع الجاهل و تنبیه الغافل* به نقض سخن ابوالمحاسن معری پرداخته است. فردی که بر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

نظر سید مرتضی در مسح بر پاها ایراد گرفته بود (همان، ۱۲۸؛ مقدمه نعمه بر کنز الفوائد، ۱۴۰۵: ۲۰/۱). علاوه بر آن، کراجکی شرحی بر کتاب *جمل العلم* سید مرتضی نوشته[۱] (همان، ۲۵؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸: ۵/۱۶) و دو کتاب او یعنی *غرر الفوائد* و *تنزیه الانبیاء* را خلاصه کرده است. آقا بزرگ طهرانی نام کتاب اول را *الراشد المنتخب من غرر الفوائد* ضبط کرده است. همچنین در مورد کتاب دوم که *مختصر تنزیه الانبیاء* نام دارد، تذکر داده که کراجکی ضمن خلاصهٔ این اثر، بحث تنزیه ائمه(ع) را به آن افزوده است (محدث نوری، همان، ۱۳۰/۲۱؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ۱۹۲/۲۰).

مروری بر نام و موضوعات این آثار حاکی از آن است که آراء فقهی کراجکی به سید مرتضی نزدیک بوده است. با وجود نبود سندی از حضور او در بغداد در دورهٔ زعامت سید مرتضی (۴۱۳-۴۳۶ق)، دورهٔ شاگردی کراجکی نزد مفید و شناخت او از سید مرتضی و آراء او را نمی‌توان در این امر بی‌تأثیر دانست. علاوه بر آن، تعلق او به مکتب متکلمان نیز در نگارش این آثار مؤثر بوده است؛[۲] زیرا با حضور برخی از شاگردان طوسی در شام و مصر و ترویج آراء او، شاگردان مفید و سید مرتضی به دفاع از آراء مکتب متکلمان پرداخته‌اند (برای نمونه ن.ک. به: پاکتچی، ۱۳۷۲: ۶۰۸/۵).

بدین ترتیب، در یک جمع‌بندی اولیه می‌توان گفت براساس شواهد ارائه شده از سفرهای کراجکی، او در ایام زعامت شیخ مفید بر مکتب بغداد، در این شهر حضور داشته و محضر او را درک کرده است. بر همین اساس، شاگردی او نزد مفید ثابت شده و نقص نظر افرادی که شیخ را استاد او ندانسته‌اند، مشخص می‌شود. علاوه بر آن، آثار نگاشته شده توسط این عالم امامی، هم‌گرایی فکری او با سید مرتضی و تعلق او به مکتب متکلمان را مشخص می‌سازد (برای نمونه ن.ک. به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۲/۵۴، ۲۹۰؛ ۲۸۲/۸۰). ضمن آنکه این تعلق خاطر به همان میزان آشکار کنندهٔ دوری او از آراء شیخ طوسی است.

---

۱ این کتاب با عنوان *شرح کتاب جمل العلم* ثبت شده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸: ۵/۱۶).

۲ در اواخر قرن چهارم، شیخ مفید مکتبی جدید در فقه امامیه بنیان‌گذارد که به مکتب متکلمان شهره شد. در قرن پنجم در کنار این مکتب که پس از او شاگردش سید مرتضی ریاست آن را به عهده گرفت، مکتب دیگری به پیشوایی شیخ طوسی ظهور کرد. بدین ترتیب، مکاتب مقتدر کلامی- فقهی بغداد در قرن پنجم قمری، مکتب متکلمان و مکتب شیخ طوسی بودند که بر محافل اجتهادی امامیه پس از این قرن نیز مسلط بودند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۵۴؛ همو، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

سبک نگارش و مکاتبات کراجکی

آنچه در اینجا مهم است سبک‌های متنوع و سرگرم کنندهٔ کراجکی در نگارش آثار جدی و بدون انعطاف فقهی و کلامی نیست، بلکه آن چیزی است که کمک می‌کند تا اساتید او از میان زعمای مکتب بغداد بیشتر شناخته شوند. در واقع، تقید کراجکی به نام بردن از مشایخی که به صورت مستقیم از آنها روایت شنیده- که گاه با بیان تاریخ و شهر آن نیز همراه است و تعابیری که بدین منظور به کار می‌برد- آن چیزی است که در اینجا به عنوان سبک نگارش کراجکی از آن یاد می‌شود؛ امری که در همهٔ آثار او قابل مشاهده است. برای نمونه، یادکرد او از ابن‌شاذان قمی- که استناد فراوان به او دارد- با تعابیری همانند «حدثنا به الشیخ» (کراجکی، ۱۴۰۵ب: ۱۴۸/۱-۱۵۰)، «حدثنی الشیخ» (همان، ۱۲۱، ۲۵۹؛ همو، ۱۳۷۰الف: ۱۲)، «سمعتها من الشیخ» (همان، ۱۶)، «سمعناه من الشیخ» (همان، ۱۸؛ همو، ۱۴۰۵الف: ۲۰)، «مما سمعته عن الشیخ» (همو، ۱۳۷۰ب: ۶) و «ما رواه لنا الشیخ» (همو، ۱۴۰۵ب: ۱۸۵/۱) است. فردی که بنا به تصریح کراجکی، در سال ۴۱۲ق. در مکه با او دیدار داشته و از او روایت شنیده است (۱۳۷۰الف: ۱۶). همچنین کراجکی در آثار مختلف خود، هنگام روایت از قاضی ابوالحسن اسدبن ابراهیم سلمی که در رمله با او دیدار داشته، از عبارت «حدثنی القاضی ابوالحسن [...]» (همان، ۷، ۲۱؛ همو، ۱۴۰۵ب: ۱۴۶/۱-۱۴۷) استفاده کرده است؛ چنان‌که هنگام نقل روایت از ابوالمرجا بلدی، از اصطلاحات «اخبرنی ابوالمرجا [...]» (همان، ۸۷/۱؛ همو، ۱۴۰۵الف: ۱۰؛ همو، ۱۳۷۰الف: ۵) و «حدّثنی ابوالمرجا [...]» (همان، ۲۳) مدد گرفته است. با این‌حال، یادکرد او از شیخ مفید در بیشتر اوقات متفاوت است؛ بدان معنی‌که اگرچه در روایات فراون او از مفید، گاه تعابیری چون «اخبرنی به الشیخ المفید» نیز دیده می‌شود (کراجکی، ۱۴۰۵الف: ۶، ۱۹)، اما در بیشتر روایاتش او را «شیخنا» خوانده و این تعبیر را در قالب‌هایی چون «اخبرنی شیخنا المفید» (همان، ۱۳۱)، «قال شیخنا المفید» (همان، ۱۶۳)، «ذکر ان شیخنا المفید» (همو، ۱۴۰۵ب: ۴۸/۲) به کار گرفته است. حتی در کتاب کنز، در بحثی، هنگام استناد به محتوای آثار مفید، باز هم عبارت «استخرجته من کتاب شیخنا المفید» (همان، ۱۵/۲) را در ابتدای نقل قولش آورده است؛ عباراتی که به واسطهٔ آنها نیز شاگردی کراجکی نزد شیخ مفید تأیید می‌شود.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

گفتنی است در آثار متنوع این عالم امامی هیچ روایت مستقیمی از سید مرتضی وجود ندارد. حتی شیوهٔ یادکرد این اندیشمند امامی از علم‌الهدی، هنگامی‌که پاسخ او به پرسش‌هایش را در آثارش می‌آورد، یا نظری از او را نقل می‌کند، معمولاً همراه با احترامی است که عالمی برای عالمی برجسته و فاضل قائل می‌شود. برای نمونه، هنگامی که کراجکی در کتاب *التفضیل*، احتجاجات خود دربارهٔ فضل امام علی(ع) بر همهٔ انسان‌ها به جز پیامبر(ص) را بیان می‌کند، در تأیید گفته‌های خود به باور مشابه سید مرتضی در این باره اشاره کرده و آورده است: «کان یتعقده الشریف المرتضی نضرالله وجهه [...]» (کراجکی، ۱۳۷۰الف: ۲۹).

در این باره می‌توان به مکاتبهٔ کراجکی با سید مرتضی اشاره کرد. مکاتبه‌ای که به دنبال نارضایتی کراجکی از پاسخش به یکی از اهالی رمله، دربارهٔ شبهه‌ای که در مورد بحث کلامی ابطال تقدم ذاتی مطرح کرده، صورت گرفته است. کراجکی پاسخ علم‌الهدی به این پرسش را در کتاب *کنز الفوائد* خود آورده است. نکتهٔ قابل توجه شیوهٔ یادکرد کراجکی از سید مرتضی است. او در ابتدای شرح این موضوع آورده - است: «ثم الی کتبت کتاباً الی بغداد، الی حضره سیدنا الشریف المرتضی ذی‌المجدین» (کراجکی، ۱۴۰۵ب: ۴۲/۱).

با این حال، گاه در یادکرد کراجکی از علم‌الهدی هیچ یک از عبارات محتوی بزرگداشت او دیده نمی‌شود و حتی نگاه هم‌طراز او نسبت به شریف مرتضی را در ذهن متبادر می‌سازد. در این زمینه نیز می‌توان به بحث کراجکی دربارهٔ آیه ۲۰ سورهٔ هود در کتاب کنز اشاره کرد. او در پایان نگاشتهٔ خود به این نکته اشاره کرده که سید مرتضی این آیه را به صورت دیگر تأویل کرده است. البته به دنبال نام او تنها عبارت «رحمه-الله» را آورده است: «و قد تأول الشریف المرتضی رحمه الله هذه الایة علی وجه آخر [...]»[1] (همان، ۱۱۸).

دربارهٔ طوسی نیز وضع بر همین منوال است. کراجکی در آثار فقهی فراوان خود حتی یک روایت از شیخ‌الطائفه نقل نکرده است. امری که چرایی آن با در نظر داشتن حضور کراجکی در شامات، تعلق او به مکتب متکلمان و تفاوت دیدگاهش با مکتب فقهی

۱ این جمله از نگارش این رساله پس از وفات سید مرتضی در سال ۴۳۶ق. نیز حکایت دارد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

طوسی (پاکتچی، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۴) مشخص است. بدین ترتیب، در پایان این مبحث نیز می‌توان یافته‌های پیشین را تأیید و تکمیل کرد؛ یعنی از شاگردی کراجکی نزد مفید و قرابت فکری و احترام او به سید مرتضی سخن گفت و نظرات متقدمان و متأخران دربارهٔ شاگردی کراجکی نزد سید مرتضی و طوسی را رد کرد.

با توضیحاتی که آورده شد و نظر به مطالب قبلی، می‌توان بر عدم ارتباط استاد-شاگردی طوسی و کراجکی صحّه گذاشت و نظر قائلان به این باور را رد کرد؛ زیرا ورود طوسی به بغداد حدود یک سال پس از خروج کراجکی از این شهر بوده و آنان هیچ دیدار مستقیمی در دورهٔ زعامت مفید و پس از آن با یکدیگر نداشته‌اند. درواقع، طوسی در سال‌های ۴۰۸-۴۴۷ق. در بغداد و بعد از آن تا ۴۶۰ق. در نجف حضور داشته؛ درحالی‌که کراجکی در این سال‌ها در شام و مصر بوده است.[۱] استمرار این حضور به گونه‌ای است که مجلسی از او در ذیل علمای طرابلس یاد کرده است (۱۴۰۳: ۷۶/۱۰۵).

علاوه بر آن، اگر سال‌های تولد و وفات این دو عالم برجستهٔ امامی را مرور کنیم و روش پیشنهادی ذهبی برای مطالعهٔ وقایع تاریخی در کتاب *تاریخ اسلام* را مبنا قرار دهیم، می‌توانیم از تعلق آنها به دو طبقهٔ مختلف سخن به میان بیاوریم.[۲] ضمن آنکه تعلق کراجکی به مکتب متکلمان و فاصلهٔ او از طوسی، از آثار و نیز موضع‌گیری‌های او دربارهٔ حجیت خبر واحد عیان است. امری که در ادامه به آن پرداخته شده است.

با مشخص شدن این امر که از میان زعمای بغداد تنها مفید استاد ابوالفتح کراجکی بوده، در ادامه تأثیر این ارتباط بررسی شده است.

تأثیر شیخ مفید بر عملکرد علمی کراجکی در مصر و شام

برخی معتقدند «از نظر علمی، همان اندازه که برآمدن شیخ مفید در فضای بغداد، تاریخ حوزه‌های عراق را وارد مرحله‌ای نوین کرد، شاگردان شیخ مفید نیز فضای حوزه‌های شام را دگرگون ساختند» (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). با این مقدمه و در نظر داشتن عملکرد علمی کراجکی و مراجعه به آثار او، می‌توان از تأثیر مفید بر رویکردها، نحوهٔ نگارش و

۱ این غیر از سال ۴۱۲ق است که کراجکی حج گذارد. او در ابتدای این سال در رمله روایت نقل کرده که پیشتر آورده شد.

۲ برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ تقسیم‌بندی‌های مختلف زمانی در مطالعات علوم انسانی، ن.ک. به: پاکتچی، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

محتوای بسیاری از آثار این عالم امامی سخن به میان آورد. این تأثیرگذاری بیشتر در بُعد درون‌دینی و بر آراء فقهی و کلامی کراجکی بوده که در ادامه نمونه‌هایی از آنها آورده شده است. این غیر از تأثیرگذاری مفید بر شیوهٔ گزینش و نقل روایات تاریخی توسط این اندیشمند در متون غیرتاریخی است که به فراخور موضوع به آن اشاره شده است. ضمن آنکه مبحث پایانی مقاله نیز به‌طور مختصر به تأثیر اندیشه سیاسی مفید بر عملکرد کراجکی اختصاص یافته است.

پیشتر و به فراخور موضوع، دربارهٔ بنیان‌گذاری مکتب متکلمان توسط مفید و ادامه آن با سید مرتضی توضیحاتی آورده شد. همچنین به این امر اشاره شد که یکی از تفاوت‌های اصلی این مکتب با مکتب طوسی، عدم پذیرش حجیت خبر واحد بود؛ زیرا مفید در آثار خویش حجیت خبر واحد را رد کرده و در صورتی آن را یقین‌آور دانسته که بتوان با یک قرینه راستگویی راوی آن را اثبات کرد (مفید، [بی‌تا]: ۱۲۲). بر این اساس، او شروط امکان اثبات با برهان عقلی، عدم تضاد با قرآن و مطابقت با مبانی کلامی پیشتر اثبات شدهٔ امامیه را برای پذیرش حجیت خبر واحد ارائه کرده است؛ همان‌طور که بر اجماع علمای امامی بر آن خبر و نقل روایت در چند نسل، به گونه‌ای که خبری مخالف آن نباشد، در پذیرش آن تأکید کرده است (صفری فروشانی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۰)؛ شروطی که کراجکی نیز به صورت مفصل در کتاب *کنز الفوائد* خود به آنها پرداخته است ([بی‌تا، الف]: ۲/۲۶-۲۷).

در ابعاد خُرد می‌توان اعتقاد به این رأی بنیان‌گذار مکتب متکلمان را در آثار کراجکی دنبال کرد. برای نمونه، علاوه بر توضیحات مستقیم او در کنز که در بالا اشاره شد، هنگامی که او اصلاح باور رایج دربارهٔ شأن نزول آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده را در اذهان مخاطبان خود دنبال می‌کند،[۱] این‌گونه می‌گوید که «اگر گویند چگونه این اتفاق درست است با اینکه روایت شده [که] این آیه درباره عبدالله‌بن سلام است؟ گوییم این روایت تنها

۱ شیعیان امامی نزول این آیات را پس از آن می‌دانند که حضرت علی(ع) انگشتر خود را در نماز به فقیری اهدا کرد؛ درحالی‌که در برخی متون تاریخی مانند *سیره* ابن‌هشام (متوفای ۲۱۸) نزول این آیات دربارهٔ یهودیان بنی‌قینقاع و عبدالله‌بن سلام دانسته شده است (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ش: ۷۸/۲). امری که بیهقی (متوفای ۴۵۸ق) نیز بدان اشاره کرده است (۱۳۶۱ش: ۳۳۱/۲). با این حال، ابن‌کثیر (متوفای ۷۷۴ق) در *البدایة و النهایة* موضعی همانند شیعیان داشته و آن را از فضایل امام دانسته است (۱۴۰۷ق: ۳۵۷/۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

و خبر واحد است. اخبار بسیاری که با هم موافقند از میان نَبَرد و یک گفتهٔ نادر، اجماع را نشکند» (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۸۷/۱–۳۸۸). سپس در ادامه به نظر ناقدان اشاره کرده و از تاریخ و قرآن برای اثبات مدعای خود مدد گرفته است. بدین ترتیب، کراجکی با نحوهٔ نقل این خبر، عدم اعتقاد خود به حجیت خبر واحد را مورد تأکید قرار داده است.

در بُعد کلان نیز پیروی کراجکی از دیدگاه مفید و مکتب متکلمان سبب گسترش این مکتب در مناطقی از شام و مصر شده بود که این عالم امامی در آن سکونت و یا تردد داشته است؛ زیرا دور از ذهن نیست که رسائل کراجکی در پاسخ به سؤالات فقهی افراد عادی، بزرگان، قضات و امرای این مناطق بر محور آراء این مکتب باشد (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۲۷/۲۱–۱۳۴)؛ همان‌طور که برخی از ردیّه‌ها و آثار او که پیشتر به آن اشاره شد، در دفاع از آراء زعمای این مکتب و گسترش آن نگاشته شده است (مقدمه نعمه بر کنزالفوائد، ۱۴۰۵ب: ۲۰، ۲۵). به موارد فوق می‌توان فتوای کراجکی بر مبنای مکتب متکلمان در دورهٔ اقامت طولانی‌اش در طرابلس و همچنین عهده‌داری منصب قاضی‌القضاتی را افزود؛ امری که سبب ترویج این مکتب در میان شیعیان امامی آن دیار بوده است. شاید بر همین اساس است که محققان رواج دیدگاه‌های طوسی در طرابلس را تدریجی و تنها پس از رحلت کراجکی و جایگزینی ابن‌براج (شاگرد طوسی) به جای او در امر قضا دانسته‌اند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)؛ امری که در مصر نیز رقم خورد؛ زیرا به نظر می‌رسد سفرهای کراجکی به مصر، تعالیم او و آثاری که در قاهره نگاشته، نیز با هدف حفظ و گسترش نگاه مکتب متکلمان در این دیار بوده است؛ چنان‌که او دفاع از آراء مکتب متکلمان در مقابل نظرات رو به گسترش طوسی را در این سرزمین ضروری می‌دانسته - است (پاکتچی، ۱۳۷۲: ۶۰۸/۵). درواقع، حضور و تأثیرگذاری ابن‌براج (متوفای ۴۸۱ق) به عنوان بزرگ‌ترین مروّج مکتب طوسی در شام و مصر و سپس حسن‌بن عبدالعزیز جَبهانی دیگر شاگرد طوسی در مصر (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ش: ۴۰)، در ترویج مکتب طوسی در این سرزمین– به‌خصوص پس از کراجکی– مؤثر بوده است (پاکتچی، ۱۳۷۲: ۱۵۴/۵).

به جز آنچه که گفته شد، می‌توان از تأثیر مفید بر کراجکی در موضع‌گیری او دربارهٔ فتوا بر مبنای قیاس و رأی، سخن به میان آورد؛ زیرا کراجکی نیز به مانند استادش، استفاده از قیاس و رأی در استخراج احکام شرعی را رد کرده و به نقل از او در *کنز الفوائد* آورده

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

است که «با قیاس، هیچ مطلب حقی شناخته نمی‌شود و هر کس به قیاس در احکام شرعی اعتماد کند، گمراه است» (کراجکی، ۱۴۰۵(ب): ۲۸/۲). او در ادامه نیز بحثی مفصل در این باره آورده است (همان، ۲۸-۳۰)؛ موضعی که در آثار مختلف شیخ و مناظراتی که او با معتقدان به این شیوهٔ استنباط فقهی داشته، قابل پیگیری است (مفید، [بی‌تا]: ۲۲۹؛ سید مرتضی، ۱۴۱۴ق: ۸۱-۸۶).

در حوزهٔ کلام نیز مشابهت‌هایی میان آراء مفید و کراجکی وجود دارد. برای نمونه، او در آرایی همانند نیازمندی عقل به وحی، با استاد خود هم‌نظر است؛ زیرا مفید عقل را در استنتاجاتش محتاج سمع می‌خواند (مفید، [بی‌تا]: ۴۴)؛ باوری که می‌توان آن را در کتاب *کنز الفوائد* کراجکی نیز پیگیری کرد. هر جا که او از ضرورت وجود حجت در هر زمان سخن به میان آورده (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۲۴۲/۱)، در ذیل بحث ضرورت ارسال رسل نیز به این امر اشاره کرده است (همان، ۲۲۵). درحالی‌که این دیدگاه توسط دیگر شاگردان مفید دنبال نشده و حتی از سوی سید مرتضی مورد نقد قرار گرفته - است[1] (۱۴۰۵ب: ۱۲۷/۱).

علاوه بر آن، در مبحث کلامیِ گستردهٔ امامت نیز کراجکی به مانند استاد خود، همّ خویش را بر اثبات افضلیت ائمه به‌طور عام و افضلیت امام علی(ع) و حقانیت او برای جانشینی پیامبر(ص) به‌طور خاص گذارده است؛ امری که حاشیه‌رانی باورهای اهل سنت در شام را نیز منظور نظر داشته است. از میان موضع‌گیری‌های مفید در این زمینه، همین بس که او ائمه را حتی بر ملائکه و همهٔ پیامبران جز رسول خدا برتری داده و این امر را در نگارش آثار خود نیز منظور نظر داشته است (مفید، [بی‌تا]: ۷۰-۷۱). کراجکی نیز با هوشمندی و با انگشت گذاردن بر اشتراکات شیعیان امامی و اسماعیلی، در زمانی که به مانند استادش از حمایت حاکمان برخوردار بوده، در آثار متنوع خود بر افضلیت ائمه تأکید کرده است. این امر را نه تنها از مشابهت نامی و محتوایی آثاری چون *التفضیل*[2] و یا مشابهت محتوایی کتاب *النباتیه* کراجکی با آراء مفید می‌توان دریافت (مقدمه مقدس بر *التفضیل*، ۱۳۸۳ش: ۳۰)، بلکه از لابه‌لای دیگر تألیفاتش نیز قابل فهم است؛ به‌خصوص

۱ برای اطلاعات بیشتر ن. ک. به: رضایی، ۱۳۹۳: ۱۸-۲۱.

۲ شیخ مفید نیز کتابی با همین نام نگاشته است. ن.ک. به: حسینی جلالی، ۱۴۱۳: ۱۸۱-۱۸۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

آنجا که او برای اثبات عقایدش به تاریخ متوسل می‌شد.

نقطهٔ اشتراک او با مفید در این زمینه را می‌توان در شیوهٔ گزینش، نقل روایات و نیز شیوهٔ یادکرد از برخی شخصیت‌های تأثیرگذار در حوادث صدر اسلام همچون شیخین دانست. آنجا که او در ذیل مباحث کلامی به گزینش و برجسته‌سازی آن دسته از اخبار تاریخی دربارهٔ شیخین مبادرت ورزیده است که بر عدم اطاعت آنان از پیامبر(ص) و یا اشتباهات آشکار آنها دلالت دارد. او به مانند استاد خود صریح و از موضع قدرت می‌نوشت و در بیشتر مواقع از اشارهٔ مستقیم به نام شیخین ابایی نداشت. برای نمونه، شیوهٔ روایت او از فرار ابوبکر در جنگ حنین (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۰۹/۲)، شرح ماجرای درخواست قلم و کتف (همان، ۳۱۱؛ قس← مفید، ۱۳۹۰ق: ۱۷۰) و اعتراض عمربن خطاب به صلح حدیبیه (مفید، همان، ۱۳۰) از آن جمله است. او در شرح مبسوط واقعهٔ اخیر به این امر اشاره کرده که عمربن خطاب تا بدانجا پیش رفت که خشم پیامبر(ص) را برانگیخت و حضرت فرار او در غزوهٔ احد و حال او در جنگ احزاب را به یادش آوردند و عمر با پناه بردن به خدا، اذعان کرد که شیطان بر او مسلط شده بود (کراجکی، [بی‌تا، الف: ۳۶۷/۲). بدین ترتیب، کراجکی از میان اخبار موجود، خبری از تمرد عمربن خطاب از امر پیامبر(ص) را گزینش و نقل کرده که یادآور موقف‌های دیگری نیز است که او برخلاف دستور آن حضرت عمل کرده و یا دچار تردید شده است. روشی که به واسطهٔ آن در راستای کم‌اثر کردن بسیاری از باورهای اهل سنت، همانند همسان بودن تمام صحابه گام برداشته است. می‌توان شرح کراجکی از تخلف شیخین از امر پیامبر(ص) برای حضور در جیش اسامه[1] و بردن مستقیم نام آنها را نیز به این موارد افزود (همان، ۳۲۴). آن هم زمانی که کمی پیشتر به لعن پیامبر(ص) بر متخلفان از این دستور اشاره کرده است (همان، ۳۱۰).

در نهایت می‌توان به این امر اشاره کرد که او نیز همانند استادش کوشید در حوزه آراء و عقاید کلامی، مرزهای میان امامیه و معتزله را روشن سازد.[2] او در طریقی مشابه،

---

۱ ن.ک. به: مفید، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۷۰.

۲ به جز کتاب *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، شیخ مفید در کتاب *الحکایات فی مخالفات المعتزله من العدلیه و الفرق بینهم و بین الشیعة الامامیه* نیز به رد عقاید کلامی معتزله پرداخته و فرق میان شیعه و معتزله را مطرح کرده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

این مهم را با نگاشتن رساله‌ای با عنوان *الابانه عن المماثلة فی الاستدلال بین طریقی النبوة و الامامة* به انجام رساند (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱/ ۱۲۷-۱۳۴؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق: ۳۷۹/۱۶). رساله‌ای که در آن به شرح مناظره‌ای خیالی میان سه شخصیت معتزلی، یهودی و شیعه امامی پرداخته و به صورت پرسش و پاسخ در مسائل نبوت و امامت بوده است و هر یک از آنها سعی در رد استدلال‌های دیگران داشته است. این کتاب علاوه بر آنکه از تسلط کراجکی بر آراء دیگر ادیان و فرق حکایت دارد، تأثیرپذیری او از استادش را آشکار می‌سازد (سلیم گندمی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

آخرین موضوع قابل عنوان تأثیرپذیری کراجکی از دیدگاه مفید، دربارهٔ جواز همکاری با حاکم جائر است؛ امری که در حوزهٔ اندیشه سیاسی جای می‌گیرد و اثر آن بر کراجکی را می‌توان در عملکرد او و پذیرش منصب قاضی‌القضاتی از سوی حاکمان بنی‌عمار جست‌وجو کرد؛ زیرا مفید دربارهٔ همکاری با سلاطین جائر و قبول منصب سیاسی از سوی آنها بر این عقیده بود که همکاری با ظالمان در امور حق و انجام واجب، برای فقیه جایز و در برخی امور واجب است (مفید، [بی‌تا]: ۱۲۰-۱۲۱). درواقع، او با در نظر گرفتن دو شرط ضرر نرسانیدن این امر بر ایمان فرد و معصیت نبودن بیشتر کارهای وی، این همکاری را پذیرفته است (همان، ۱۲۰). او حتی کسب مال به واسطهٔ خدمت به سلاطین جور را به شرط ضرر نرساندن به اموال مؤمنان و نیز عدم غلبهٔ گناه جایز دانسته است[۱] (همان، ۱۲۰-۱۲۱).

نتیجه‌گیری

با مروری بر مباحث ارائه شده در متن مقاله می‌توان دریافت که بسیاری از مؤلفان شیعی به دلیل اتکا به نظر منتجب‌الدین و متأثر از جایگاه رفیع شیخ طوسی، او را جزء اساتید کراجکی آورده‌اند. درحالی‌که علاوه بر تفاوت مکتبی این دو فقیه، عدم دیدار آنها با یکدیگر، عدم وجود مکاتبه و یا روایتی از طوسی در آثار کراجکی و نیز موضع‌گیری کراجکی نسبت به برخی از نظرات فقهی شاگردان شیخ‌الطائفه و ردیّه‌نویسی بر آنها، عدم ارتباط استاد- شاگردی میان این دو عالم برجستهٔ امامی را مشخص می‌کند. ضمن آنکه با

۱ برای اطلاعات بیشتر ن.ک. به: قهرمان‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

اندکی دقت می‌توان دریافت که کراجکی در طبقه‌ای بالاتر از طوسی جا داشته و حتی نمی‌توان از هم‌عصری کامل این دو سخن گفت.

اظهار نظر نخستین مؤلفان، یعنی منتجب‌الدین و سپس ذهبی دربارهٔ استاد- شاگردی سید مرتضی و کراجکی، توجه ویژهٔ کراجکی به آراء علم‌الهدی، شرح و خلاصهٔ آثار او، نگارش آثاری در دفاع از آراء این عالم امامی، استفتاء از او در شبهات و هم‌عصری آنها با یکدیگر در کنار تعلق کراجکی به مکتب متکلمان، در گنجاندن نام سید مرتضی در ذیل اساتید کراجکی تأثیرگذار بوده است. درحالی‌که نبود روایتی از سید مرتضی در آثار کراجکی که مقیّد به ذکر نام مشایخ خویش هنگام نقل روایات است، شیوهٔ نام بردن او از سید مرتضی -که همراه با احترام و به شیوهٔ یادکرد از عالمی فاضل است- و عدم حضور او در ایام زعامت علم‌الهدی در بغداد، تأییدی بر عدم ارتباط استاد- شاگردی این دو اندیشمند امامی است.

در نهایت می‌توان گفت روایت‌های متنوع و فراوان کراجکی از مفید، یادکردِ او با عنوان «شیخنا»، حضور او در بغداد در دوران زعامت شیخ بر این مکتب و تعلق فکری او به مکتبی که مفید بنیان گذارد و سید مرتضی آن را رونق بخشید، تأییدی بر شاگردی کراجکی نزد اولین زعیم برجستهٔ مکتب بغداد، یعنی شیخ مفید است. تأثیر این امر بر حیات علمی کراجکی گاه به واسطهٔ تعلق او به مکتب استادش به صورت عام و گاه به دلیل هم‌نظری او با مفید به صورت خاص است. برای نمونه، تأثیرِ مورد اخیر را می‌توان در همکاری کراجکی با حکّام مناطق مختلف و پذیرش منصب قاضی‌القضاتی در حوزهٔ اندیشه سیاسی و نیازمندی عقل به وحی در کلام دنبال کرد؛ حال آنکه اثرپذیری او از مکتب بنیان‌گذارده شده توسط استادش ابعادی گسترده‌تر در کلام و فقه را در برمی‌گیرد. برای مثال، او در مبحث امامت، مانند استادش و نیز سید مرتضی بر جایگاه رفیع ائمه و افضلیت آنها به‌طور عام و افضلیت امیرالمؤمنین بر جانشینان پیامبر(ص) به‌طور خاص تأکید داشته است. این امر علاوه بر نام و محتوای آثار کراجکی، در گزینش و نقل اخبار تاریخی مؤید این امر و حاشیه‌رانی شیخین در نگاشته‌های غیرتاریخی او، قابل پیگیری است. تعیین مرزهایی میان امامیه و معتزله با نگارش آثار متنوع، دیگر موضوع کلامی مورد اهتمام او به تبعیت از این مکتب است. همچنین در حوزهٔ فقه می‌توان از موارد

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

متعدد اثرپذیری کراجکی از مفید و همسویی او با مکتب متکلمان سخن به میان آورد. عدم اعتقاد او به حجیت خبر واحد و ردّ استفاده از رأی و قیاس در استخراج احکام فقهی، از نمونه‌های خُرد این امر است. ضمن آنکه در ابعاد کلان نمی‌توان تأثیر او در گسترش مکتب متکلمان در حوزهٔ شام را با دفاع از آراء فقهی بزرگان این مکتب، پاسخ به سؤالات فقهی و فتوا دادن براساس آن نادیده گرفت.

منابع و مآخذ

- آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن (۱۴۳۰ق)، *طبقات اعلام الشیعه*، ج۲، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- ..... (۱۴۰۸ق)، *الذریعة إلی تصانیف الشیعه*، ج۱۶، ۲۰، قم: اسماعیلیان.
- ابن‌أبی‌طی، یحیی‌بن حمید [بی‌تا]، *الحاوی فی رجال الشیعة الامامیه*، تصحیح و تنظیم رسول جعفریان، تهران: [بی‌نا].
- ابن‌ازرق فارقی، احمدبن یوسف (۱۳۸۶ش)، *تاریخ میافارقین دیاربکر*، تصحیح بدوی عبدالطیف، ترجمهٔ حسین قره‌چانلو، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۳۹۰ق)، *لسان المیزان*، ج۵، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن‌داود حلی، حسن بن علی(۱۳۴۲ش)، *الرجال*، تصحیح محمدصادق بحرالعلوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن‌شهرآشوب مازندرانی، محمدبن علی (۱۳۸۰ش)، *معالم العلما فی الفهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً*، تحقیق سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف: المطبعة الحیدریة.
- ابن‌عماد حنبلی، عبدالحی‌بن احمد (۱۴۰۷ق)، *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، ج۵، دمشق: انتشارات دار ابن‌کثیر.
- ابن‌کثیر، ابوالفداء (۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م)، *البدایة و النهایة*، ج۷، بیروت: مکتبة المعارف.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ج۱، ۵، ۶، بیروت: دار صادر.
- ابن‌هشام، ابومحمد عبدالملک‌بن هشام (۱۳۷۵ش)، *زندگانی محمد(ص) پیامبر اسلام*، ترجمهٔ سید هاشم رسولی، ج۲، تهران: انتشارات کتابچی.
- افندی، عبدالله‌بن عیسی (۱۴۰۱ق)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به کوشش سید احمد حسینی، ج۳، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، ج۹، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بحرالعلوم، محمدمهدی (۱۳۶۳ش)، *فوائد الرجالیه*، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، ج۳، تهران: مکتبة الصادق.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

- بیهقی، احمدبن حسین (۱۳۶۱ش)، *دلائل النبوة*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، ج۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۵ش)، *مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ..... (۱۳۷۲ش)، «ابوصلاح حلبی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج۵، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ..... (۱۳۹۱)، «حوزه‌های کم‌شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق، شام و مصر»، *صحیفهٔ مبین*، دورهٔ ۱۸، ش۵۲، صص۱۲۵-۱۶۶.
- حسینی جلالی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق)، *نظرات فی تراث الشیخ المفید*، قم: کنگرهٔ جهانی شیخ مفید.
- خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰ش)، *روضات الجنات فی احوال العلما و السادات*، ج۶، قم: اسماعیلیان.
- دوانی، علی [بی‌تا]، *مفاخر الاسلام*، ج۳، تهران: امیرکبیر.
- ذهبی، محمدبن احمد (۱۴۰۵ق)، *العبر فی خبر من غبر*، ج۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- رضایی، محمدجعفر (بهار ۱۳۹۳ش)، «جایگاه عقل در کلام امامیه در مدرسه کلامی بغداد»، *تحقیقات کلامی*، س۲، ش۴، صص۷-۲۲.
- زرکلی، خیرالدین‌بن محمود (۱۹۸۰م)، *الاعلام*، ج۶، بیروت: دار العلم للملائین.
- زارع‌پور، محسن (۱۳۹۲ش)، «آراء کلامی ابوالفتح کراجکی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث قم.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق)، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: اللجنة العلمیه فی مؤسسة الامام الصادق.
- سلیم گندمی، حمید (تابستان ۱۳۸۶)، «ترجمه رساله الابانه»، *سفینه*، ش۱۵، صص۱۴۱-۱۸۱.
- سمعانی، عبدالکریم‌بن محمد (۱۳۸۲ق)، *الانساب السمعانی*، تحقیق عبدالرحمان معلمی یمانی، ج۱۱، حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.
- سید مرتضی، علی‌بن حسین (۱۴۰۵ق)، *الرسائل*، ج۱، قم: دار القرآن الکریم.
- ..... (۱۴۱۴ق)، *فصول‌المختاره من العیون و المحاسن*، تحقیق سید علی میرشریفی، [بی‌جا]: دار المفید.
- صدر، سید حسن (۱۳۷۵ش)، *تأسیس الشیعه*، [بی‌جا]: اعلمی.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (تابستان ۱۳۸۶)، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد با توجه به برخی مبانی کلامی و اصولی او»، *شیعه‌شناسی*، سال پنجم، ش۱۸، صص۷-۳۵.
- طباطبائی، سید عبدالعزیز (۱۴۰۳ق)، «مکتبة العلامة الکراجکی»، *تراثنا*، ش۴۳-۴۴، صص۳۶۷-۴۰۵.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲ش)، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، ج۲، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق محمد صادق آل بحرالعلوم، ج۱، قم: فقاهة.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۲۹ق)، *الکنی و الالقاب*، ج۳، قم: دفتر انتشارت اسلامی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

- قهرمان‌نژاد، بهاءالدین، فهیمه فرهمندپور، سید صادق حقیقت، محسن مهاجرنیا، مرتضی حسنی‌نسب (تابستان ۱۳۹۳ش)، «تعامل با سلطان جور در اندیشهٔ شیخ مفید»، *فقه کاوشی نو در فقه اسلامی*، س۲۱، ش۲، صص۱۰۳-۱۲۰.
- کحاله، عمر رضا [بی‌تا]، *معجم المؤلفین*، ج۱۱، بیروت: مکتبة المثنی- دار إحیاء التراث العربی.
- کراجکی، محمدبن علی [بی‌تا، الف]، *کنز الفوائد*، ترجمهٔ محمدباقر کمره‌ای، ج۱، ۲، تهران: فردوسی.
- ..... (۱۴۰۵)(ب)، *کنز الفوائد*، تصحیح عبدالله نعمه، ج۱، ۲، بیروت: دار الأضواء.
- ..... (۱۳۸۸ش)، *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، ترجمهٔ شیخ عباس قمی، تصحیح محمد حسینی نیشابوری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ..... (۱۳۸۳ش)، *التفضیل و خبر الغدیر*، ترجمهٔ احسان مقدس، تهران: نیلوبرگ.
- ..... (۱۴۰۵)(الف)، *الاستنصار فی النص علی ائمة الاطهار*، به کوشش علامه ابن‌عیاش، بیروت: دار الاضواء.
- ..... (۱۳۷۰ق)(الف)، *التفضیل*، به کوشش سید جلال‌الدین محدث ارموی و محمد آخوندی، تهران: دار الکتاب اسلامی.
- ..... (۱۳۷۰ق)(ب)، *التعریف*، به کوشش سید جلال‌الدین محدث ارموی و محمد آخوندی، تهران: دار الکتاب اسلامی.
- ..... (۱۴۱۰ق)، *القول المبین عن وجوب مسح الرجلین*، تحقیق علی موسی الکعبی، قم: مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث.
- ..... [بی‌تا، ب]، *التعجب فی اغلاط العامة فی مسألة الامامة*، تصحیح فارس حسون کریم، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، تحقیق سید ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، ج۱، ۵۴، ۸۰، ۱۰۲، ۱۰۵، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۸۷ش)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمهٔ علینقی منزوی، ج۱، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- منتجب‌الدین، علی‌بن عبیدالله (۱۳۶۶ش)، *الفهرست*، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.
- محدث نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق مؤسسهٔ آل البیت، ج۲۱، قم: مؤسسهٔ آل البیت.
- مرادی‌نسب، حسین و هادی شمس‌آبادی (۱۳۹۷ش)، «نقش دانشمندان شیعه در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در شامات از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری»، *تاریخ اسلام*، س۱۹، ش۷۳، صص۱۳۵-۱۶۶.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان [بی‌تا]، *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، تحقیق مهدی محقق،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]

تهران: دانشگاه تهران.
- ..... (۱۳۹۰ق)، *الارشاد فی معرفة الحجج الله علی العباد*، تهران: اسلامیه.
- ممقانی، عبدالله [بی‌تا]، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج۲، قم: مؤسسة آل البیت.
- مونس، حسین (۱۳۹۰ش)، *اطلس تاریخ اسلام*، ترجمهٔ آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- مهاجر، جعفر [بی‌تا]، *الکراجکی*، [بی‌جا]: مؤسسهٔ تراث الشیعه.
- یافعی، عبدالله‌بن اسعد (۱۴۱۷ق)، *مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان*، ج۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.47.7.1]